خبر

«آقا یحیی» رونمایی شد

کتاب خاطرات همسر شهید یحیی تویسرکانی با عنوان «آقا یحیی» در جریان برنامه «اسوه‌های ایثار در عرصه فرهنگ و شهادت» رونمایی شد. این مراسم با حضور آیت‌ا... کاظم صدیقی، امام جمعه موقت تهران و به‌منظور بزرگداشت و تجلیل از خدمات حجت‌الاسلام علی تویسرکانی، امام جمعه فقید شهرستان راور و یادواره شهدای دارای وابستگی خانوادگی به وی برگزار شد. حجت‌الاسلام حسن علیدادی‌سلیمانی، نماینده ولی‌فقیه در استان کرمان با گرامیداشت یاد و خاطره مرحوم حجت‌الاسلام علی تویسرکانی، امام جمعه فقید شهرستان راور یادآور شد: مرحوم تویسرکانی فردی را نرنجاند و هیچ‌گاه خودش نیز از فردی نرنجید. بر همین اساس بود که با وجود پیشنهادهایی که برای حضور در سایر استان‌ها داشت، تا آخر در شهرستان راور ماند و در کنار مردم این شهرستان بود. تجلیل از مرحومه حاجیه زهرا حمیدی (همسر شهید حاج‌محمود تویسرکانی)، مادر شهید محسن تویسرکانی و دختر شهید حاج عباس حمیدی، مرحومه حاجیه فاطمه رشیدی (همسر شهید عباس حمیدی)، مرحومه حاجیه سکینه حمیدی (مادر شهیدان حاج‌محمود و یحیی تویسرکانی)، مادربزرگ شهیدان محمدباقر توکلی و محسن تویسرکانی و خواهر شهید حاج عباس حمیدی و نیز مرحومه حاجیه عصمت تویسرکانی (مادر شهید محمدباقر توکلی‌زاده)، خواهر شهیدان حاج‌محمود و یحیی تویسرکانی از دیگر بخش‌های این یادواره بود.

در گفت‌وگو با جام جم مطرح شد

فیلم نا

نوستالژی دسترسی کم به میوه موز در دهه ۶۰ برای همه ما تبدیل به یک خاطره جمعی شده و یادمان می‌آید که نزدیکان وقتی به کشورهای حاشیه خلیج‌فارس سفر می‌کردند، موز را به عنوان میوه‌ای شاهانه سوغات می‌آوردند و این میوه برای خود جاه و مقامی داشت. حالا در نظر بگیرید از این جریان که البته بهانه‌ای برای پیوند به اصل ماجراست، فیلم نوجوانانه «باغ کیانوش» به کارگردانی رضا کشاورز حداد بر اساس کتابی به همین نام از علی‌اصغر عزتی‌پاک، خلق و اقتباس شود. فیلمی که فضایش در دهه ۶۰ است و مربوط به جنگ تحمیلی، اما شکل و بیان خلاقانه و ارائه‌اش در بستر فیلمنامه‌ای پرکشش به گونه‌ای است که نوجوانان نسل امروز را هم که خیلی کم شاهد فیلم‌های مناسب سن‌شان هستند، جذب می‌کند. می‌توان گفت تمام نوجوانان باغ کیانوش در پیشبرد فضای داستانی این فیلم نقش دارند و همه‌شان قهرمان هستند و فیلم قهرمان مشخصی ندارد. این فیلم از این جهت اهمیت دارد که پس از سال‌ها شاهد فیلمی در رده سنی نوجوانان بر پرده سینما هستیم؛ اقشاری که به نظر می‌رسد چندان جدی گرفته نمی‌شوند و خوراک فرهنگی خوبی ندارند. اکران باغ کیانوش بر پرده سینما بهانه خوبی بود که میزبان رضا کشاورز حداد (کارگردان)، محمد جواد موحد (تهیه‌کننده)، مهدی فریضه (بازیگر) و بازیگران نوجوان فیلم ابوالفضل حسن‌خان‌پور و ابوالفضل ایوانی باشیم و درباره این اثر گفت‌وگو کنیم که در ادامه از نظر می‌گذرانید:

نسرین بختیاری
گروه فرهنگ وهنر

با توجه به کم بودن فیلم برای نوجوانان چه دغدغه‌ای موجب شد سراغ این فضا بروید؟

کشاورز: فارغ از دغدغه، این شکل فیلم‌های مخصوص رده نوجوان را دوست دارم و حداقل فکر می‌کنم در زمان حال کودک را باید از نوجوان جدا کنیم. آنچه در این چند سال متوجه شدم این که به مفهوم عام چندان نمی‌توانیم برای نوجوان فیلم بسازیم و خود فیلم نوجوان هم باید زیرژانر پیدا کند و می‌توانیم برای او کمدی، درام، هیجانی، جدی و انواع فیلم‌ها را بسازیم. در حوزه کودک ژانر واحدی داریم، اما دهه به دهه، نوجوانان ما دچار چالش‌هایی شدند؛ یعنی وقتی به زمان حال می‌رسیم، می‌بینیم نوجوان امروز از انتخاب سبک موسیقی تا نوع لباسی که می‌پوشد امکان انتخاب دارد. من کار کردن با بچه‌ها را دوست دارم و حدود ۱۵۰ روز را با آنها در پیش تولید و تولید گذراندم. تجربه شیرینی بود و قبلا هم یک اپیزود سریال و کار کوتاه و تیزر با آقای موحد داشتم که امیدوارم ادامه پیدا کند و در سینمای ایران فراگیرتر شود.

چه فیلمی را به عنوان کارگردان نوجوانانه می‌دانید؟

کشاورز: فیلمی که صرفا بازیگر نوجوان داشته باشد، مخصوص نوجوانان نیست و ممکن است فیلمی برای نوجوانان باشد، اما بازیگر بزرگسال داشته باشد. فیلم نوجوانانه باید نوجوان نسل خودش را بشناسد و درباره نوجوانان یا برای نوجوانان باشد و فضای بسیار متفاوتی را در فیلم رقم بزند. علاوه بر این، اثری که ساخته می‌شود باید روی تمام اکت‌هایی که در آن دوران جریان دارد، مانور بدهد. به عنوان مثال، ما در باغ کیانوش متوجه شدیم بچه‌های نسل امروز خیلی درگیر انواع بازی و به خصوص بازی‌های رایانه‌ای هستند و به جز این، ماجراجویی را خیلی دوست دارند و ریتم یک اثر آنها را سر ذوق می‌آورد.

با توجه به این‌که ساختار فیلم اقتباسی در سینمای جهان با ریسک همراه است؛ به عنوان یک فیلم اولی چرا سراغ اقتباس رفتید؟

به شکل دیگری سینمای اقتباسی را می‌بینم. سینمای اقتباسی امتیاز ویژه‌ای با خود دارد و من به طور ویژه درباره باغ کیانوش صحبت می‌کنم. کتاب باغ کیانوش موضوعی فرامتنی داشت که به ذهنیت من کمک می‌کرد و آن این بود که کتاب، مخاطبان هدف خودش را سر ذوق آورده و از آن راضی بوده‌اند. این در مرحله اول به من که قرار بود برای این ژانر فیلم بسازم، کمک می‌کرد. وقتی سراغ چنین کتابی می‌روید، امتیازهایی دارد و آن این‌که نویسنده چکش‌کاری‌های روایی فیلم را انجام داده و جواب گرفته و شما به عنوان نویسنده و کارگردان که قرار است آن را تصویر کنید، باید به آن ارزش افزوده اضافه کنید. اتفاقا در سینمای ایران که چندان به متن‌ها دقت نمی‌شود، اقتباس پناه است و باغ کیانوش هم همین مسیر را پشت سر گذاشت. خودم را در مواجهه با مخاطب هدف قرار دادم که اگر قرار است به دهه ۶۰ پل زده شود، تا چه اندازه مورد قبول مخاطب واقع می‌شود.

شما از کتابی اقتباس کردید که در فضای دهه ۶۰ روایت می‌شود و امروز شاهدیم برخی معتقدند نوجوان امروزی با نوجوان دهه ۶۰ تفاوت بسیاری دارد و این ممکن است در فرآیند انتقال پیام فیلم خللی وارد کند، آیا از این موضوع هراسی نداشتید؟

کشاورز: این صحبتی است که بسیاری از افراد از بیرون مطرح می‌کنند و بعضا کسانی که از این دست انتقادها می‌کنند، شناخت کافی از قشر نوجوان و دنیای آنها ندارند. من به عنوان کسی که با این قشر خیلی زندگی کردم و حتی وقتی متن را می‌نوشتم، از نوجوانان روستا و شهر بازخورد می‌گرفتم؛ یعنی داستان فیلم را به صورت سریالی تعریف می‌کردم تا ببینم آیا منتظر نداد امه این داستان را بشنوند یا خیر. البته صرفا با بازخورد نبود و کارهای دیگری هم در این زمینه انجام دادم. من از کسانی که چنین نظری دارند، خواهش می‌کنم یک بار در سالنی پر از افراد نوجوان بنشینند. مادر شهرهای مختلف مانند مشهد، اصفهان، تهران، تبریز و... این تجربه را داشتیم و بازخورد مثبتی از نوجوانان حاضر در سالن داشتیم. من قبول دارم که نوجوان امروز نه فقط نسبت به دهه ۶۰ که حتی نسبت به سال گذشته هم تفاوت دارد. در هر حال باید با نوجوانان زیست مداوم داشته باشیم تا متوجه شویم ذائقه مخاطب به کدام سمت حرکت می‌کند. علاوه بر این، خود نوجوانان نیز با چالش‌های مختلفی روبه‌رو هستند و یک سری از آنها گاهی دچار انفعال می‌شوند و یک سری هم دچار وسواس و اجبار و گاهی هم بعضی به انحراف کشیده می‌شوند. بیشترین چالشی که نوجوانان ما با آن درگیر هستند، همان وسواس و اجبار است که بیشتر آن به خانواده این نوجوانان برمی‌گردد. در خانواده صحبت‌هایی درباره بعضی موضوعات انجام می‌شود که این نوجوان از نظر اعتقادی، سیاسی و... دچار وسواس می‌شود و از همان نقطه درگیر تعصب فکری می‌شود و اگر این تعصب فکری با او بماند، در آینده می‌تواند عواقبی داشته باشد؛ مثل خانواده‌ای که نوجوان را مجبور می‌کند باید برای کنکور در فلان جا قبول شوی. اما می‌توانم با اطمینان بگویم کسانی که این انتقادها را می‌کنند، نزدیک دنیا و چالش‌های نوجوانی هم نرفته‌اند و خیلی جالب است که خیلی از این افراد می‌گویند آثار نوجوانانه دنیا را مشاهده می‌کنند، اما مطمئنم که غیر از سریال «چهارشنبه» تیم برتون چیز دیگری را تماشا نکرده‌اند.

برای همین رگه‌های فانتزی را به فیلم اضافه کردید؟ چرا از عناصر فانتزی استفاده کردید، آیا داستان کتاب کشش لازم برای تبدیل به یک اثر سینمایی را نداشت یا این موضوع دلیل دیگری داشت؟

کشاورز: تخیل عنصر بسیار مهمی برای قشر نوجوان است. قبل از هر چیز سینما برای این بچه‌ها از یک مسیر خیال‌انگیز می‌گذرد. فارغ از آن هم برای شخصیت بخشی به مکانی مانند باغ کیانوش، عنصر تخیل برای بچه‌ها با توجه به مواجهه با یک بدمن واقعی بهترین عملکرد را دارد. کتاب ظرفیت این کار را داشت و ما هم از این ظرفیت استفاده کردیم؛ البته تصورات بچه‌ها در فیلم از باغ کیانوش بیشتر از این‌ها بود و شرایط ما به‌گونه‌ای بود که باید بخش‌های انیمیشن و کروکی‌هایی که در فیلم می‌دیدیم را کم می‌کردیم. تا جایی که دیدم داستان ظرفیت دارد و به اصل این ماجرا ضربه نمی‌زند و داستان هم از فضای رئال خارج نمی‌شود، سعی کردم از عناصر فانتزی استفاده کنم. به‌نظرم عنصر فانتزی مهم است. وقتی تولیدات نوجوانانه در جهان را نگاه می‌کنیم یا صددرصد فانتزی هستند یا خیلی به سمت آن حرکت می‌کنند.

می‌دانم نسخه کامل فیلم چیزی حدود ۱۳۰ دقیقه است، در نظر دارید که این نسخه کامل را روزی منتشر کنید؟

کشاورز: گمان نمی‌کنم چنین اتفاقی بیفتد که روزی کل نسخه را منتشر کنیم. فیلم ۱۳۰ دقیقه بود و خیلی از بخش‌های آن را کوتاه کردیم؛ هرچند به‌نظرم نسخه کامل هم نسخه بدی نیست، ولی استاندارد سینمای ایران به این شکل است. وگرنه به‌عنوان مثال، در هالیوود نگاه کنید آثاری را می‌بینید که زمان‌شان بیش از دو ساعت است، اما باکس پخش سینمای ایران اجازه نمی‌دهد بیشتر از مدت‌زمان محدود باکس، پخش داشته باشیم و مجبور شدیم که حتی دقایقی را حذف کنیم تا باکس پخش به مشکل نخورد.

یکی از ویژگی‌های فیلم‌های نوجوانانه این است که یک شخصیت مشخص به عنوان قهرمان دارند، اما در باغ کیانوش تنها یک نفر قهرمان نیست. لطفا درباره تعدد قهرمان‌های فیلم صحبت کنید.

کشاورز: البته در دنیا این موضوع باب است که مانند فیلم‌های وس اندرسون چند قهرمان داریم که به آن اضافه هم می‌کند. این جزو همان ریسک‌هاست و با توجه به این‌که گای ریچی را به عنوان یک کارگردان بسیار دوست دارم، برایم چالش بود و می‌خواستم ببینم می‌توانم این ژانر را تلفیق کنم، چون حال‌وهوایشان به هم خیلی نزدیک است. درست که ممکن است کمدی اکشن مقداری خشن شود، اما متوجه شدم کارهای گای ریچی ظرفیت و تعدد پیرنگ دارد. تعداد شخصیت‌های فیلم از این هم بیشتر بود، اما متوجه شدیم امکان افزایش ظرفیت از این مقداری که در فیلم می‌بینیم، وجود ندارد و بر همین اساس پیش رفتیم و قهرمان‌های گروهی را آفریدیم.

موحد: نوجوانانی که فیلم ما را می‌بینند، رنگارنگ و از خانواده‌ها و حتی با قابلیت‌های مختلف هستند. خیلی دوست داشتیم از نوجوانان و نونهالانی که فیلم ما را می‌بینند، یک نفر شبیه خودش را در قصه پیدا کند و دوست داشته باشد جای او قرار بگیرد. ما یک شخصیت قهرمانانه علی را داریم، اما شاید برایتان جالب باشد که چند گروه مختلف نوجوان را از همه‌جای شهر- شمال و جنوب- چندماه قبل به‌شکل خصوصی جمع و فیلم را در باشگاه فیلم سوره اکران کردیم. خیلی جالب بود که بعضی می‌گفتند دوست ندارند شخصیت علی باشند و دوست دارند عباس یعنی همان‌کسی باشند که نقشه می‌کشد. همچنین فیلم را برای بچه‌های کم‌توان جسمی اکران کردیم و خیلی‌ها دوست داشتند شبیه مجتبی که معلول حرکتی است باشند. از بین ۳۰ نفری که برای تماشای فیلم آوردیم، شش نفر دوست داشتند سلمان باشند و بتوانند با حیوان‌ها ارتباط بگیرند و زبان‌شان را بفهمند. تمام این‌ها در طراحی‌ها وجود داشت و یادم می‌آید بعضی نسبت به تعداد زیاد شخصیت‌ها در فیلمنامه انتقاد می‌کردند که به‌عنوان مثال تبدیل به سه نفر بشود، اما می‌گفتیم دوست داریم وقتی یک دختربچه یا پسربچه با هر نوع جهان‌بینی فیلم را می‌بینند، بتواند خودش را پیدا کند. همچنین تعداد افرادی که می‌خواهند جای شخصیت آقا در فیلم باشند، زیاد است و دوست دارند این‌شکلی باشند. وقتی بچه‌ها شخصیت پیمان را پشت فرمان می‌دیدند، سوت می‌زدند و تشویق می‌کردند. به‌نظرم این می‌تواند یک الگوی درست باشد که قهرمان‌های فیلم گروهی هستند، اما شبیه به هم نیستند و به‌عنوان مثال، یک نفر فکر قوی‌تری دارد و آن یکی می‌ترسد.

استفاده نکردن از لهجه در فیلم در همین راستاست؟

موحد: درباره لهجه داشتن بچه‌ها ساعت‌ها با هم صحبت می‌کردیم که چنین کاری را انجام دهیم یا خیر. چند دلیل برای استفاده نکردن از لهجه وجود داشت؛ اول این‌که فکر کردیم اگر به آن یک زیست‌بوم خاص بدهیم، مخاطبان نوجوان شهرهای دیگر با آن همذات‌پنداری نکنند. دوم این‌که به‌دلیل بازیگرانی که لهجه داشته باشند و بتوانند آن را به‌درستی اجرا کنند، خیلی کم است. سوم این‌که می‌ترسیدیم کارمان از فیلم سینمایی ملی تبدیل به یک کار کم‌اهمیت شود. معمولا وقتی از لهجه در سینما استفاده می‌کنید، فکر می‌کنند اثر هنروتجربه‌ای و جشنواره‌ای است و تعداد فیلم‌هایی مثل «آتابای» که هم از لهجه استفاده کند هم موفق شود کم است. به دلیل این‌که کارگردان کار اولش را تجربه می‌کرد و خودمان تیم جوانی داشتیم، گفتیم بهتر است که این تصمیم را نگیریم و خود این کار ریسک‌های زیادی دارد.

کشاورز: مهم‌ترین مسأله همین ریسک است؛ چون حدود ۵۰۰ بچه دیدیم و تازه به ۱۰ نفر رسیدیم.

ما در کار سکانسی داشتیم که یک روز کامل، ابوالفضل ایوانی یک سکانس را تکرار می‌کرد تا درست دربیاید. همین که ببینند این لهجه را یاد بگیرند، فرآیند عجیبی بود، امکان‌پذیر نبود و کار دوتکه می‌شد. به همین دلیل تصمیم گرفتیم لهجه نداشته باشیم.

مشخص است که به موضوع رده‌بندی سنی فیلم اهمیت دادید و در بخش‌هایی که امکان داشت فیلم به سمت خشونت زیاد پیش برود، با تصاویر تلطیف شده است.

موحد: ما در طراحی پروژه بسیار به این موضوع فکر می‌کردیم که فیلم مختص نوجوانان باشد. به طور طبیعی چنین فکری، به مارده‌بندی سنی ۹ تا نهایت ۱۶ سال را می‌دهد. وقتی برای مخاطب هدفی قائل باشیم و بازه سنی به او بدهیم، ناخودآگاه هرآنچه انجام می‌دهیم در جهت مسیری است که از قبل مشخص کردیم. واقعیت این است که اگر قسمت‌های مربوط به دفاع مقدس را به شکل مفصل‌تر و انیمیشنی کار کردیم، به دلیل این بود که برای این رده‌بندی سنی کار می‌کردیم. درواقع آن انیمیشن نگاه علی به جنگ است و چیزی بوده که وقتی علی از شخصیت کیانوش می‌دید، در ذهنش تصور می‌کرد. برای ما مهم بود که رده‌بندی این تصویر حفظ شود؛ یعنی بچگانه نباشد که فکر کنند او را جدی نگرفته‌ایم و از طرف دیگر رده‌بندی‌اش به شیوه‌ای بالا نرود که نوجوانان با دیدن آن بترسند. وقتی تبلیغی از این فیلم در تلویزیون پخش می‌شود هم می‌نویسیم «بچه‌های چهارم، پنجم و ششمی، بیایید باغ کیانوش ببینید». این‌که چقدر موفق شدیم، جای بحث دارد و جالب است که هنوز سر سکانس چاقو، اختلاف سلیقه داریم اما به نظر می‌رسد توانستیم فیلم را برای بالای ۱۱ سال بسازیم.

پس موافق رده‌بندی سنی در سینما هستید؟

کشاورز: بله، ما در کشور سینما داریم که فیلم‌های ۱۸+ هم ساخته می‌شود و اکران می‌شود، اما باکس‌آفیس ندارد. ما در کشوری زندگی می‌کنیم که فیلم‌های ۱۸+ باکس‌آفیس ندارند، اما فیلم‌های ۱۳+ باکس‌آفیس دارند. این یعنی چه؟ یعنی ما نیاز به فیلم‌های ۱۳+ داریم. ما نیاز به فیلم‌هایی داریم که نوجوانان را جذب کند و آنها را از فضای مجازی بیرون بیاورد و به سینما بیاورد. ما نیاز به فیلم‌هایی داریم که نوجوانان را از فضای مجازی بیرون بیاورد و به سینما بیاورد. ما نیاز به فیلم‌هایی داریم که نوجوانان را از فضای مجازی بیرون بیاورد و به سینما بیاورد.

کشاورز: سینمای اقتباسی امتیاز ویژه‌ای با خود دارد چون موضوعی فرامتنی دارد و به ذهنیت نویسنده کمک می‌کند و مخاطبان هدفش را سر ذوق آورده و آنها را راضی می‌کند

درنگ

هنوز با دیدن سکانس آخر باغ کیانوش استرس می‌گیرم

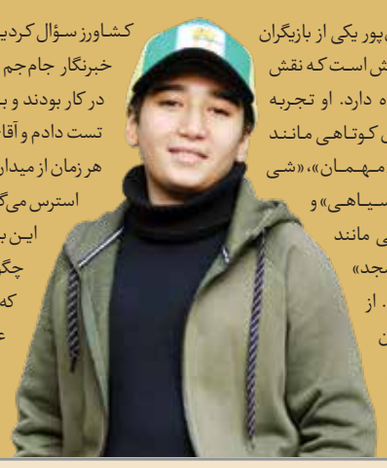

ابوالفضل حسن‌خان‌پور یکی از بازیگران نوجوان باغ کیانوش است که نقش پیمان را به‌عهده دارد. او تجربه بازی در فیلم‌های کوتاهی مانند «خاطره‌بازی»، «مهمان»، «شی شین باشین»، «سیاهی» و همچنین سریال‌هایی مانند «داستان‌های مسجد» و «بوقچی» را دارد. از این بازیگر نوجوان درباره همکاری‌اش با رضا کشاورز سؤال کردیم که در این رابطه به خبرنگار جام‌جم گفت: هشت پسربچه در کار بودند و برای هرنقش هشت بار تست دادم و آقای کشاورز کاری کرد که هر زمان از میدان فردوسی رد می‌شوم، استرس می‌گیرم. (می‌خندد)

این بازیگر نوجوان درباره چگونگی اجرای سکانسی که در آن رانندگی می‌کرد، عنوان کرد: بخش‌هایی از رانندگی را خودم انجام می‌دادم اما خب بخش‌هایی هم پرده کروماکی به کمکم آمد. او درباره این‌که چه خاطره‌ای از حضور در این فیلم دارد نیز توضیح داد: خاطره‌های من بیشتر مربوط به پس‌گردنی خوردن می‌شود و ۹-۸ باری از آقای جمشیدی فرکتک خوردم. (می‌خندد)

حسن‌خان‌پور با اشاره به این‌که فیلم را در کنار هم‌سن‌وسالان خود دیده، گفت: ما اکران‌هایی داشتیم که فیلم را کنار همسن و سال‌های فیلم را دیدیم و خدا را شکر که بازخوردهای خوبی داشت و جاهایی که باید می‌ترسیدند، ترسیدند و در بخش‌های خنده‌دار نیز بچه‌ها خندیدند. در سکانس آخر که کل فضای فیلم در هیجان، اضطراب و تردید زدن یا نزدن علی پیش رفت. با این‌که خودم بیشتر از ۱۰ بار فیلم را دیدم باز هم با دیدن آن سکانس هیجان‌زده می‌شوم و فکر می‌کنم اگر باز هم ببینم چنین احساسی را دارم.

نگاه

اولویتی برای فیلم‌های نوجوانان قائل نیستند

مهدی فریضه درباره چگونگی همکاری با رضا کشاورز و فیلم باغ کیانوش گفت: بالاخره یک معرفی صورت گرفت و سکانس‌های نقشم کوتاه است اما یکی از جذاب‌ترین نقش‌هایی است که بازی کردم و خیلی فیلم را فارغ از این‌که بازیگرش هستم، دوست دارم؛ چون اتفاق افتاده فیلمنامه‌هایی به دستم رسیده که فیلم در اجرا مدنظر و مورد علاقه‌ام نبوده است. به نظرم اتفاق خوبی که در فیلم افتاده، حاصل تعامل با کارگردان است و البته بیشتر از چند روز و چند جلسه با بچه‌ها در تهران و همدان نبودم اما به‌قدری تعامل کردیم و حرف زدیم که متوجه شدم چه کار باید کنم.

این بازیگر افزود: این‌که می‌گویند بابای خوبی در فیلم شدم، خیلی برایم جذاب است. همیشه بازیگر از تعامل با کارگردان می‌تواند سود ببرد و این‌طور شد تا از جلسه اول که با بچه‌ها حرف زدم، فکر کردم اتفاق خوبی ممکن است بیفتد. فیلم را به تازگی دیدم و خیلی تبریک می‌گویم و اتفاق خیلی خوبی در تدوین افتاده و بچه‌های فیلم هستند و کار کردن با چندین نوجوان خیلی سخت است و درباره علت پذیرش این نقش کوتاه نیز گفت همیشه لحظه‌ای در فیلمنامه است که یا نقش یقه شما را می‌گیرد یا نمی‌گیرد و ربطی به بلندی و کوتاهی آن هم ندارد و این اتفاق برایم افتاد.

وقتی فیلمنامه را خواندم، سکانس خاصی که علی سوار اسب است و پدرش کنار اسب ایستاده، خیلی برایم جذاب بود و کیفیت بیشتر از کمیت برایم جذاب بود.

بازیگر نقش پدر علی در باغ کیانوش با اشاره به این‌که من طرفدار اقتباس سینمایی

نوا

«سیمرغ» فخرالدینی به مقصد رسید

فرهاد فخرالدینی که سال‌های سال خاطرات ما را با نوای ماندگار آثاری همچون «سربداران»، «امام علی(ع)» و... زنده کرده است، پس از سال‌ها اثری گوش‌نواز خلق کرده و بار دیگر چوب رهبری را به دست گرفته و اثر جدیدش «منظومه سیمرغ» را اجرا کرد. در این اجرا به آهنگسازی و رهبری فرهاد فخرالدینی بخشی از اجرا توسط آرش امینی رهبری شد. قاف یا همان منظومه سیمرغ، براساس منطق‌الطیر عطار نیشابوری برای ارکستر، گروه کر و دو تک‌خوان نگاشته شده است.

گیو آرکد را اسکن کنید

گالری‌گردی

«چشم در چشم» تا پایان آذر تمدید شد

نادره رضایی، معاون امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با اعلام تمدید نمایشگاه «چشم در چشم» تا پایان آذر گفت: نمایشگاه چشم در چشم با استقبال کم‌سابقه هنرمندان و علاقه‌مندان هنرهای تجسمی و گنجینه موزه هنرهای معاصر روبه‌رو شده، از این‌رو، نمایشگاه را تا پایان آذر تمدید می‌کنیم. در این روزها موزه هنرهای معاصر شاهد صف‌های طولانی مردم برای تماشای آثار پرتره گنجینه موزه است و امیدواریم با این تمدید، علاقه‌مندان بیشتری فرصت داشته باشند تا با فراغت به موزه بیایند. از اواسط مهر ۱۴۰۳، پرتره‌های گنجینه موزه هنرهای معاصر تهران به تماشا گذاشته شده‌اند و این فرصت کم‌نظیر دست داده تا یکی از مخاطبان این آثار باشیم؛ آثاری که دیدن آنها شاید چند سال یک بار میسر شود. آن ری دو تولوز لوترک، پابلو پیکاسو، ونسان ونگوگ، اندی وارهول، آلبرتو جاکومتی، جیمز انسور، ادوارد مونه، جیم داین، ژان دوبوفه، رابرت راشنبرگ، فرنان لژه، خوان میرو، کمال‌الملک، بهمن محصص، مارکو گریگوریان، محمود جوادی‌پور، احمد اسفندیاری، ژازه تباتبایی، کامبیز درم‌بخش، غلامحسن نامی، مهدی سحابی، فرشید ملکی و کوروش گلناری برخی از هنرمندانی هستند که آثار پرتره آنها روی دیوار موزه هنرهای معاصر تهران رفته است.

نگارخانه

لوگوی مطبوعات قاجاری به نمایش درآمد

موزه گرافیک ایران با برپایی نمایشگاه «نشان» به بررسی پژوهشی و تاریخی نشانه‌های مطبوعات دوره قاجار پرداخته است. از انتشار نخستین شماره «کاغذ اخبار» ۱۸۷ سال می‌گذرد. با همه فراوانی و زیبایی که در مطبوعات قاجار می‌بینیم، متأسفانه به‌جز معدودی، نامی از طراحان، تصویرگران، خوشنویسان و خطاطان، ناظران چاپ یا کسانی که مدیریت اجرایی در به سرانجام رساندن نشریه‌ها به عهده داشته‌اند، نمی‌بینیم. از خوشنویسان دوره قاجار که در حوزه مطبوعات آثاری به‌جای گذاشته‌اند بدون شک میرزا رضا کلهر، میرزا زین‌العابدین، ملک‌الخطاطین و احتمالا عماد الکتاب و دیگران نقش عمده داشته‌اند. پدیدآورندگان این آثار جز چند نفر که نام برده شد، یکسر ناشناس بوده و این نمایشگاه به پاس بزرگداشت یاد و کارهای ارزشمند آنان برپا شده است. این نمایشگاه با بهره‌گیری از پژوهش‌های گسترده پیرامون «لوگوهای مطبوعات دوره قاجار» که در کتابی به همین نام نوشته محسن احتشامی آمده، بر آن است تا گوشه‌ای از تلاش‌های طراحان گرافیک گمنام این سرزمین در عصر قاجار را نمایش دهد. موزه گرافیک ایران در بزرگراه بابایی، خیابان استخر، بلوار استقلال، خیابان شهیدان برادران قزوینی، محوطه شمالی پارک پلیس واقع شده است.